

تابع رفاه اجتماعی از دیدگاه اسلام

محمدانس الزرقا**

مترجم: مجتبی باقری***

چکیده:

در طی ربع قرن گذشته مطالب قابل توجهی در مورد سیستم اقتصادی اسلام نوشته شده است، به طوری که در هر یک از آنها می توان گاه قرابت های قابل توجه و مبانی نظری مشابهی میان بنیان های ارزشی اسلام که در قرآن به آن اشاره شده و مبانی علم اقتصاد یافت. مهمترین مشابهت هایی که در این مقاله از میان انبوه وجوه تشابه برگزیده شده و به آنها اشاره شده شامل رابطه اعتقادات و رفتار اقتصادی، رابطه اعتقادات با نظام ترجیحات فردی و الگوی مصرف، رابطه اعتقادات با تعیین اولویت های زندگی و سازوکار حداکثر سازی مصرف می باشد و در پایان نیز به مطالبی در مورد نتایجی از رابطه حقوق اسلامی و علم اقتصاد پرداخته شده است.

۱- مقدمه

(ای هادی، ای پروردگار، راه دشوار است و ما مخلوقات تو، راهنمایی جزء تو نداریم.)
مطالب قابل توجهی در ۲۵ سال اخیر، در بسیاری از زمینه های سیستم اقتصادی اسلام نوشته شده است و محور اصلی آن نوشته ها سه جهت بوده است:
۱- مقایسه سیستم اقتصادی اسلامی با سوسیالیسم و کاپیتالیسم از جهات متعدد.
۲- نقد سیستم و فلسفه اقتصادهای غیر اسلامی
۳- بیان دلایل و مدارک یک مسئله اقتصادی مانند ربا (ربا خواری، بهره) و سؤالاتی که در مورد آن مطرح است. اخیراً، یک متفکر برجسته و دوراندیش حوزه اندیشه، محمد المبارک مطلبی بیان کرده است، که به نظر من نیز قابل قبول است، اینکه به حد کافی در مورد اول و دوم نوشته شده است و اکنون، زمان عمیق شدن در سیستم اقتصادی اسلام، درک کامل ویژگی ها و تنظیم مجدد آن فرارسیده است. من امیدوارم که مقاله حاضر، بتواند قدمی در این جهت بردارد. یک سؤال متدلوزیک و دو مطلب اساسی در علم اقتصاد اسلامی کار اصلی این مقاله است.
آیا می توانیم یک علم اقتصاد اسلامی داشته باشیم؟ این یک سؤال متدلوزیک است که در

Social welfare function from Islamic Perspective

** Muhammad A. Al-Zarqa

*عنوان اصلی مقاله چنین است:

*** عضو هیئت علمی دانشگاه مفید



بخش ۲ با نشان دادن آن نواحی که اسلام و علم اقتصاد با هم تداخل می‌کنند، به آن پاسخ مثبت داده می‌شود، زیرا اگرچه علم اقتصاد ممکن است اثباتی باشد، ولی دارای عناصر دستوری خاصی نیز، می‌باشد و همچنین بر عکس، اسلامی که به نظر می‌رسد باید دستوری باشد، دارای عناصر اثباتی است که در زیر بخش‌های (۲-۲)، (۳-۲-۱) به آن پرداخته می‌شود. موضوعی که در زیر بخش ۲-۴ شرح داده می‌شود مربوط به طبقه‌بندی یک بیانیه، به بیانیه‌های دستوری و اثباتی که گاهی تابعی از دانش محدود و حتی اعتقادات مذهبی ما است، می‌باشد. در بخش (۲-۵) مباحثی پیرامون رابطه دانش اثباتی و آموزه‌های اسلام در اعتقادات اسلامی مطرح می‌شود، در بخش ۳، پایه‌های فلسفی خاصی از علم اقتصاد اسلامی و علم اقتصاد نئوکلاسیک شرح داده می‌شود. یک تابع رفاه اجتماعی که در حدود ۸۰۰ سال پیش تنظیم شده است دوباره بازنگری می‌شود و در بخش ۴ به طور خلاصه بیان می‌گردد. در زیر بخش ۴-۶، به بعضی از نتایج آن تابع، در رابطه ما بین حقوق اسلامی و علم اقتصاد اسلامی پرداخته می‌شود.

بخش ۵ با به دست آوردن بینشی از دستاورد اسلامی در مورد رفتار اقتصادی فرد، شروع می‌کند (یعنی در زیر بخش (۵-۱)). آنگاه در زیر بخش‌های باقی به بررسی این مطلب می‌پردازد که تابع مطلوبیت مسلمان نسبت به مصرف زمان حال و پاداش در آخرت اهمیت می‌یابد.

بخش ۵ بر اساس بخش ۴ و بر اساس آیات زیادی از قرآن و حدیث که تحت ۱۰ عنوان مهم طبقه‌بندی می‌شود، بنا می‌شود و مشتمل بر یک ضمیمه (به عربی) می‌باشد.^۱

۲- مسائل متدلوژیک

۲-۱- آیا ما می‌توانیم یک علم اقتصاد اسلامی داشته باشیم؟

غالباً تأکید می‌شود که علم اقتصاد، یک علم اثباتی است و اسلام، با مذهب بودنش، به تمام معنا، دستوری است. یک فرد ممکن است به این نتیجه برسد که ما نمی‌توانیم یک علم اقتصاد اسلامی معنا داری بیشتر از ریاضیات اسلامی یا فیزیک اسلامی داشته باشیم. من می‌خواهم در این بخش و هر کجای دیگر این مقاله، ادعا کنم وجود یک علم اقتصاد اسلامی ارزشمند و ممتاز، ضروری است. به طور خلاصه ادعای من این است که علم اقتصاد، یک علم میرا از قضاوت‌های ارزشی، همان‌گونه که اغلب ما به سمت این اعتقاد می‌رویم، نیست و حتی نمی‌تواند چنین باشد (که در بخش (۲-۱) شرح داده می‌شود). (و همین‌گونه اسلام فاقد جنبه‌های اثباتی در زمینه واقعیت‌های اقتصادی نیست. (که در بخش (۲-۲) شرح داده می‌شود) ما همچنین



می‌توانیم قضاوت‌های ارزشی اسلام را جایگزین قضاوت‌های ارزشی غیراسلامی کنیم و به مجموعه احکام اثباتی اقتصاددانان، مباحث اسلامی را بیفزاییم و آنگاه نتایجی را نیز استخراج کنیم. مطمئناً، به لحاظ وظیفه، این که گفته شود اقتصاد اسلامی عمل می‌شود آسانتر است. آن کار (تدوین اقتصاد اسلامی) خیلی کمتر از ساختن یک تئوری جدید نیست. اما ما به عنوان یک مسلمان، اگر قرار باشد که روش‌های اصیل اسلامی را در مورد مسائل انسانی مورد توجه قرار دهیم و همچنین به طور غیر رسمی عمل را در علوم اجتماعی متوقف کنیم، باید این کار را انجام دهیم. همچنین در بخش (۲-۳) ادعا خواهیم کرد که آنچه به عنوان یک قضاوت ارزشی در مقابل امر اثباتی طبقه‌بندی می‌شود گاهی تابعی از دانش محدود و حتی اعتقادات مذهبی ماست.

۲-۲- قضاوت‌های ارزشی در تئوری اقتصادی

گفته می‌شود که علم اقتصاد یک علم اثباتی است و به گونه‌ای است که خودش را از هر قضاوت ارزشی، که گاهی در مورد میانی آن بیان می‌شود، خارج کرده است. اما اکنون، یک اعتقاد رو به رشد وجود دارد که خانه مجلل علم اقتصاد محل تردد چند اشکال غیر قابل رفع است. بنابراین، ارزش‌ها در انتخاب موضوعی که باید دنبال شود، داخل می‌گردد. و بنابراین منابع بیشتری به یک تئوری نسبت به دیگری اختصاص می‌یابد. این در تربیت دانشمندان جدید، زمان کلاس‌ها، حجم کتب و مجله‌های ماهانه انجام می‌شود و حتی آزادی از ارزش با اختصاص دادن زمان برابر نیز، وجود ندارد.

همچنین، ارزش‌ها در انتخاب متغیرها و فروض داخل می‌شوند. واقعیت‌های اقتصادی، در حد زیاد، با زمان و مکان متفاوت می‌گردند و یا به همان اندازه، به وسیله بسیاری از متغیرها تأثیر می‌پذیرند. استفاده از رگرسیون‌های چندگانه و تکنیک‌های مرتبط در تحلیل آماری داده‌ها، که به همراه آن تئوری نباشد، به تنهایی، رابطه و پیوندی را اثبات می‌کند، اما نمی‌تواند سبب را از مسبب جدا سازد. در اینجا ممکن نیست که هیچ نتیجه جامعی از متدهای کاربردی در باره اسباب و مسببات و مسیر پدیده‌های اقتصادی، بدون راهنمایی از یک تئوری قوی، به دست آورده شود. این هدایت تئوریک مستلزم بررسی متغیرهایی است که احتمالاً مناسب با پدیده مورد مطالعه است. آنها معمولاً به حسب تعداد زیاد و اغلب در طبیعت غیراقتصادی هستند. ما به وسیله یک روند استدلالی دقیق، حدس و گمان می‌توانیم متغیرها را به سه دسته تقسیم کنیم.

نامربوط نسبت به پدیده، برونزا نسبت به پدیده، یعنی تأثیرگذار بر آن بدون تأثیر پذیری از آن



و متغیرهای درونزایی که متقابلاً بر روی یکدیگر تأثیر می‌گذارند و از متغیرهای برون‌زا تأثیر می‌پذیرند. اینها آن متغیرهای مهم فرض شده می‌باشند که تبیین و پیش‌بینی به وسیله آنها، حاصل می‌شود. بنابراین، انتخاب متغیرها و طبقه‌بندی آنها و آن مسائل بعدی که مطرح می‌شود و به لحاظ تئوریک و کاربردی حل می‌شوند، نمی‌توانند جز به وسیله فرهنگ و اعتقادات عمیق متأثر شوند، همان‌گونه که از نگرانی در مورد جامعه و بشر تأثیر می‌پذیرند.

همچنین ارزش‌ها در انتخاب متد، داخل می‌شوند. هر متدی که دنبال می‌شود، مفهوم معینی از جهان در ناحیه کاربرد و تئوری را به یاد می‌آورد و شیوه‌های معینی از ارزش را تشویق می‌کند. برای مثال، متدهای مقداری به تعاریف خوب و آن تعاریفی که دارای فهم آسان، هزینه کم و اندازه‌پذیری دارند، امتیاز می‌دهند. اگر مشارکت کنندگان بخواهند انتخاب‌های سنجیده عقلانی که استدلال آن به عدد و رقم محدود است و به آسانی قابل اندازه‌گیری می‌باشند، درست‌کنند چنین تکنیک‌هایی در علم جامعه‌شناسی بهتر کار خواهد کرد. مسائل و مفاهیمی که می‌توانند در چارچوبی اندازه گرفته شوند، توجه بالاتر و بیشتری را برای اختصاص هزینه نسبت به مفاهیم و مسائل دیگر دریافت می‌کنند، در حالی که گاهی، در زمینه‌های خاصی، ممکن است متدهای جانشین آنها برای تحقیق مناسب باشند.

همچنین ارزش‌ها در انتخاب اهداف و ابزار داخل می‌شوند. بعضی از مفاهیم مهم در علم اقتصاد فقط بعد از تعیین یک آرمان یا هدف با معنی می‌شوند. برای مثال، باید توجه کرد که قضاوت‌های ارزشی زیادی در مسئله کارایی، در جایی که ما باید متغیرها را به شکل داده و یا ستانده طبقه‌بندی کنیم، وجود دارد. اگر در واقع بعضی انواع نیروی کار راضی باشند یک فرد ممکن است که بخواهد آنها را به عنوان یک محصول در کنار محصولات متعارف طبقه‌بندی کند. آن طبقه‌بندی بر قضاوت‌های ارزشی و اینکه چه چیزی ارزش است و چه چیزی در جامعه ضدارزش مبتنی است. نتیجه اینکه، چندین ناحیه در تئوری اقتصادی وجود دارد که در آنجا قضاوت‌های ارزشی، دارای یک نقش بسیار مهمی می‌باشند و در این نواحی ما می‌توانیم یک سهم جداگانه‌ای به عنوان مسلمان داشته باشیم.

نیازی به گفتن این نیست که حقیقتاً چندین ناحیه از علم اقتصاد مربوط به اقتصاد اثباتی است که نمی‌تواند در هر چارچوبی، اسلامی و غیر اسلامی، متفاوت گردد. (همچون شرایط مرتبه اول و دوم برای دستیابی به مقدار داده شده‌ای از تولید با کمترین هزینه، با فرض ثبات قیمت عوامل و یک تابع تولید معین).



۲-۳ - بعضی از احکام اقتصاد اثباتی در قرآن

اسلام اگرچه در بدو امر دستوری به نظر می‌رسد ولی خالی از جملات اقتصاد اثباتی نمی‌باشد. آیه‌های بعدی، این ایده را به تصویر خواهند کشید. آیه‌هایی که بیان می‌شود در مورد گرایش‌های انسان است که مذهب آنها را تعدیل و اصلاح می‌کند.

الف- در آیه ۴۲/۲۷، آمده است: «و لو بسط الله الرزق لعباده لبغوا فی الارض ولكن ینزل بقدر ما یشاء انه بعباده خیر بصیر» (سوره شوری آیه ۲۷) «اگر خدا روزی بندگان را افزون کند در زمین فساد می‌کنند ولی به اندازه‌ای که بخواهد روزی می‌فرستد زیرا بر بندگان خود آگاه و بیناست» این آیه توصیف می‌کند که افزایش روزی چه تأثیر بر رفتار دارد.

ب- ۲۲-۷۰/۱۹، ان الانسان خلق هلوعاً (۱۹) اذا مسه الشر جزوعاً (۲۰) و اذا مسر الخیر منوعاً (۲۱) الا المصلین (۲۲). «به درستی که انسان شکوه‌کننده خلق شده است، زمانی که شری به او برسد بی‌صبری می‌کند و زمانی که خیری به او برسد بخیل می‌گردد مگر آنهایی که نماز می‌گزارند.»

ج- (۱۰۰/۸) آیه ۳/۱۴ زین للناس حب الشهودات من النساء والبنین والقناطر القنطره من الذهب والفضه و الخیل المسومه والانعام و الحرث ذلک متاع الحیوة الدنیا والله عنده حسن المأب (۳/۱۴) (آل عمران آیه ۱۴) محبت امور مادی، از زنان و فرزندان و اموال هنگفت از طلا و نقره و اسب‌های ممتاز و چهار پایان و زراعت، در نظر مردم جلوه داده شده است، اینها سرمایه زندگی پست است و سرانجام نیک نزد خداست انه لحب الخیر لشدید (العادیات ۸) انسان علاقه زیادی به ثروت دارد. "بشر به تصویر کشیده شده است به عنوان کسی که یک عشق قوی و سیری ناپذیری نسبت به ثروت دارد.

د- کان الانسان عجولاً، انسان بسیار عجول است. چند آیه دیگری تأکید بر آن ایده دارند که نرخ تنزیل انسان نسبت به زمان به طور قابل توجهی بالای صفر است.

ه- انه لحب الخیر لشدید، یعنی انسان در علاقه‌اش احساساتی است. بنابراین آیات زیادی هم در حدیث و هم در قرآن وجود دارند که می‌توانند بیانگر این مطلب باشند که بیان‌های اثباتی زیادی در قرآن آمده است.

۲-۴ - احکام دستوری که نزدیک به احکام اثباتی هستند و بالعکس

یک اختلاف بین احکام دستوری و اثباتی وجود دارد. در بینشی که مفاهیم در حد گسترده از قبل تعیین شده است، دستورات مذهب معمولاً دستوری هستند. اما یک اقتصاددان مسلمان



باید تشخیص دهد که این تمایز به شدت گمراه کننده است.

برای روشن شدن این مطلب، مثالی می‌زنیم. احکام زیر برخی دستوری و برخی اثباتی‌اند. P علامت بیان اثباتی و N علامت بیان دستوری است.

P۱: در بعضی از سال‌های گذشته به یک سیاستمدار آفریقایی گزارش داده شده است که روزه داری در ماه رمضان تلاش را کم و به همین دلیل تولید کاهش یافته است.

N۱: تولید بیشتر یک هدف حیاتی برای ملت است.

N۲: بنابراین در چنین کشور فقیری، روزه داری بر علیه مصالح ملی است.

N۳: ای کسانی که ایمان آورده‌اید روزه بر شما واجب شد.

P۲: لعلکم تتقون، شاید شما متقی شوید.

توجه دارید که این آیه بخشی اثباتی و بخشی دستوری است

در دید افکار عمومی که P۱ با احتمال بالایی صحیح است و نسبت به آنهایی که N۱ را می‌پذیرند و با این همه تصمیم گرفته‌اند روزه بگیرند (N۳)، به وضوح، شرحی از یک قضاوت ارزشی است که اطاعت خدا ارزنده‌تر از توجه به برخی از ضررهای تولیدی است. لذا آنها یک حالت تدافعی نسبت به خود می‌گیرند و احتمالاً احساس اضطراب و ناخوشنودی خواهند داشت.

P۳: دبیر کل سازمان ملل متحد در یک نطق، در مورد جلوگیری از جرم و کنترل (۱۹ سپتامبر ۱۹۷۳) بیان کرد که بسیاری از کشورها با رشوه خواری و رشوه دادن روبرو می‌باشند و آن نیز نشانگر هزینه‌های اقتصادی و اجتماعی نسبی زیادی می‌باشد و این باور عمومی نیز وجود دارد که کشور آفریقای شمالی استثناء نیست.

P۴: یک فرد ممکن است با استفاده از N۳ و P۲، استدلال کند که روزه داری پرهیزگاری را بالا می‌برد و آن، نیز، به نوبه خود استاندارد اخلاق را بهبود می‌بخشد، فساد و آشفتگی را کاهش می‌دهد و بنابراین تولید را بعد از آن، افزایش می‌دهد.

فرض کنید یک سازمان مطالعاتی P۱ و P۲ را کنترل کرد و فهمید که P۱ در ماه رمضان و P۴ در ماه‌های دیگر درست است و تلاش‌های جداگانه‌ای در مورد تخمین درآمد ملی انجام شد. فرض اضافه تری بگیرید که هرکسی، N۱ را بپذیرد: اگر روزه داری در حالت تعادل، یک اثر منفی بر روی تولید داشته باشد، آنگاه هیچ کدام از N و P یا برعکس، ویژگی خود را از دست نمی‌دهند. اما اگر اثر اثباتی روزه داری اثبات شد که بزرگتر باشد، آنگاه چندین تغییر اساسی



اتفاق خواهد افتاد. P۱ به شدت به وسیله P۴ محدود می شود

N۲: اثباتی و غلط شمرده می شود.

N۳: آن چیزی می شود که من آنرا یک بیان مخلوط، از N همراه با جزء قوی P یا برعکس خواهیم نامید.

اجازه دهید که کل آیه قرآن (در مورد روزه) را بخوانیم:

یا ایها الذین آمنوا کتب علیکم الصیام کما کتب علی الذین من قبلکم لعلکم تتقون^۱ . . .
 . . . و ان تصوموا خیر لکم ان کنتم تعلمون^۳ یرید الله یکم الیسر و لایرید لکم العسر^۴ .
 اینکه روزه بگیرید برای شما بهتر است اگر علم داشته باشید، خداوند آسانی را برای
 شما اراده کرده و سختی را برای شما اراده نکرده است.

۲-۵ - نتایجی در مورد مسائل متدلوژیک

آنچه اغلب به عنوان یک بیان دستوری طبقه بندی می شود، و در بعضی از زمان ها دلالت بر این دارد که با جمله ضد آن باید وزن برابر داده شود، تابعی از دانش یا جهل ما نسبت به آن می باشد. این (مطلب) قاعدتاً نسبت به همه بایدها و نبایدها که ما در اسلام با آنها روبرو هستیم درست است. عمل های از خودگذشتگی، که اغلب به عنوان دستوری تصور می شوند، مثال های ابتدایی از بیان های مخلوط می باشند. (آیه های ۲۲/۳۷ و ۲/۱۷۷) رفتار انسان، رفتار اقتصادی و غیر اقتصادی، به وسیله نگرش او به مسائل، باورها و استانداردهای اخلاقی اش، تأثیر می پذیرد به گونه ای که هر چیز تأثیر گذارنده بر آن متغیرها، به طور اجتناب ناپذیری، باید نتایج اقتصادی افراطی داشته باشد.

بعضی از اقتصاددانان، که اکثریت قابل توجه آنان، دنباله روان سامونلسون می باشند، بارها نگرش اثبات گرایان را، که تأکید زیادی بر جدا کردن بیان های دستوری از اثباتی داشتند، تأکید می کردند. نگرانی آنها در طول این جدا سازی فقط در موارد نادر قابل توجیه است، آنجایی که ما قصد داریم پول و وقت هزینه کنیم تا یک بیان را پیش از آن که بپذیریم آزمون کنیم. بنابراین زندگی واقعی خیلی متفاوت است. اغلب آنگونه عمل می شود که یک جمله اثباتی را می پذیریم و دیگران را دعوت می کنیم تا همچنین کاری انجام دهند، بدون اینکه اهمیت زیادی به آزمون آن با پول و وقت بدهیم. آن سیاستمدار آفریقای شمالی آن مطلب را با حالتی که اطلاعات کامل دارد بیان می کند، و آن اگر چه اثباتی و قابل رد است، هیچ کس سعی نخواهد کرد که آن را رد کند.



من سؤال می‌کنم که چه تفاوت عملی بین چنین جملاتی و آنهایی که دستوری هستند و هیچ کس نمی‌تواند آنها را رد کند، می‌باشد؟ اینجا مناسب است که دوباره به خاطر آوریم که اسلام چگونه به ما می‌آموزد تا دستوراتش را مورد توجه قرار دهیم.

اولاً؛ هیچ ادعایی وجود ندارد که آنچه حرام است، همه‌اش بد است و آنچه به آن امر می‌شود همه‌اش خوب است. به بیان دقیق‌تر همان‌گونه که به وسیله شاطبی بیان شده است، هر حکم اسلامی هم اثرات مطلوب دارد و هم اثرات نامطلوب و اسلام بر روی اثرات غالب حکم می‌کند. یک مثال برای بیان این مفهوم، آیه‌های قرآنی ۲/۲۱۹ و ۵/۹۰ که مربوط به خوردن شراب و انجام قمار است، می‌باشد.

ثانیاً؛ اگر انسان اطلاعات کافی در مورد نتایج مستقیم و غیر مستقیم، کوتاه مدت و بلند مدت نظرات و اعمالش می‌داشت و اگر این نتایج جنبه یکسانی را می‌داشتند، هیچ نظری در مورد رابطه خود مذهب با موضوعات اجتماعی وجود نمی‌داشت.

اما دانش انسان به تنهایی کافی نیست. خدای بخشنده و دانا محدوده‌ای از راهنمایی‌ها را برای رفاه انسان فراهم کرده است تا هزینه‌های مصیبت بار و غیر قابل تحمل را نسبت به دانش محدود و گاه نسبت به غرور و شهوت‌هایش از او بردارد. این راهنمایی الهی دنبال می‌شود تا انسان قدم‌های اولیه را در جهت حق و مجاهدت‌های معنوی و اجتماعی‌اش بردارد. آن دنبال نمی‌شود تا چنین مجاهدت‌هایی که بخش مهمی از رسالت انسان بر روی زمین است، تباه شود. خداوند یک نقشه با مقیاس کوچک آماده کرده است تا انسان؛ آن را به طور تفصیل کامل کند. اگر انسان اطلاعات کامل داشته باشد و همچنین تعصبی نداشته باشد، او به نتایج یکسانی نسبت به دستورات و راهنمایی‌های خداوند می‌رسد. این خط فکری که به وسیله آیات قرآن حمایت می‌شود، آنقدر زیاد است که نمی‌توان آنها را در اینجا، بیان کرد. برای مثال آیات ۲/۱۸۴ در مورد روزه ۲۲۲-۲/۲۱۹ و ۲۸-۴/۲۵ در مورد ازدواج ۲/۲۱۹ در مورد نوشیدن شراب و قمار ۲/۱۰۲ در مورد سحر ۱۲۲/۲/۱۰، ۴/۸۳، ۲۲/۴۷، ۲۳/۱، ۲۸/۴۳/۴۱، ۵۱-۲۸/۵۰ و ۳۰/۴۱ در مورد ایده‌های کلی مختلف می‌باشد.

۳- مسائل فلسفی

۳-۱- فلسفه سیستم نئوکلاسیک

عنوان این بخش بی معنا خواهد بود اگر یک نفر بدون هیچ قیدی با نظر رایج میان اقتصاددانان



که تئوری اقتصاد بی طرف است و می تواند در هر جامعه ای به کار برده شود و اینکه در اصل، آن می تواند ساخته شود تا تقریباً به هر هدف سیاسی خدمت کند، موافق باشد. من باور نمی کنم که چنین نظراتی به طور کامل صحیح باشد، همان گونه که ادعای این مقاله آن را اثبات می کند، عقیده جهانی سکولار که در درون آن اقتصاددانان ایده اشان را توسعه داده اند؛ ممکن است خلاصه شود در اینکه انسان یک موجود است (نه یک مخلوق)، محصولی از طبیعت که وجودش نیازمند این نیست که هیچ معنای نهایی داشته باشد. بشریت واقعیت نهایی است و اهمیخت و اهداف نهایی این زندگی، اگر هر چیز باشد، باید درون زندگی خود او و نه در ماوراء آن جستجو شود. کمال نوع انسان بدون کمک از تفضل های خدای متعال قابل دسترسی است.

مفهوم لیبرالیزم سنتی در مورد انسان شاید، در چهار اصل بتواند خلاصه شود: لذت گرایی، عقل گرایی، فردگرایی و آزادی.

لذت گرایی یعنی انسان در تحت سلطه دو پایه مسلط درد و لذت می باشد، لذت، آن مقام مقتدر شماره یک و هدف از زندگی است. بشر به صورت طبیعی، تنبل و سست است، یعنی مخالف با تلاش است و همچنین او درد را در نظر می گیرد.

عقل گرایی یعنی دنبال کردن ابزار و اهداف، بهره برداری از انتخاب های سنجیده در میان جانشین ها برای جستجوی رضا یتمندی خواسته های انسانی.

فردگرایی یعنی، تأکید بر استقلال ذاتی و آزادی هر انسان از انسان دیگر، نسبت به تثبیت نتایج ارزش ها به وسیله روش هایی از فرایند داخلی (باطنی) نسبت به ارگانیزم فردی انسان. من ترجیح می دهم که آنرا فرد گرایی تا ذره گرایی بنامم.

آزادی عبارت است از، بیان اینکه، محدودیت اصلی آزادی انسان ناشی از جامعه گرایی انسان نسبت به دیگران است که به طور برابر نسبت به انسان آزاد می باشند.

بنابراین هر شخص سلب کننده آزادی دیگران است. این مفهوم، امروزه، خیلی زنده است. آنچه آنها، در عمل برای مصرف کننده در نظر دارند در دو جمله ای که بعد می آید، به تصویر کشیده می شود. شیل^۵ در سال ۱۹۷۴ نوشت که عقیده لذت گرایی آمده است تا در میان چیزهای دیگر بفهماند که وظیفه دولت است که سعی کند از ترقی ولذت های مردمی حمایت کند. همه یا اکثریت جامعه ملی مفروض، باید، در خواسته های مادیشان راضی باشند و این رضایتمندی باید به طور مداوم، گسترش یابد. هدف، یک افزایش مداوم در عرضه محصولات در دسترس برای رضایتمندی نیازها می باشد.



۳-۲- دو اعتقاد اسلامی که بیشتر مناسب با رفتار اقتصادی است

اعتقادات اسلامی که با رفتار اقتصادی، آن قدر زیاد هستند که نمی‌توان، همه آنها را در اینجا بیان کرد. من مناسبت دو اعتقاد را در اینجا اثبات خواهم کرد:

۱- خدا مالک است.

۲- زندگی یک آزمایش است.

۳-۲-۱- خدا مالک است

شناخت در مورد مفهوم مالکیت در اسلام، یکی از پایه‌های رفتار مصرف‌کننده و مؤسسات است. در زمانی که انسان متولد می‌شود و در حالی که او با اشاره صحبت می‌کند، برای او جهانی به شکل ضیافت آماده شده است. آن جشن ضیافت، نه تنها، شامل اشیای مادی زمین و جهان بلکه شامل قوانین طبیعی در مورد مالکیت بر بدن انسان، مفاهیم و توانایی‌های ذهنی و غیره نیز، می‌گردد. همه اینها مخلوق و ملک خدای واحد هستند. تنها چیزی که انسان می‌تواند به طور صحیح ادعا کند که مال خود اوست، خواسته‌هایی است که او دارد و به طور رایگان به وسیله خداوند در اختیار او قرار گرفته است.

آنچه انسان به طور فردی یا اجتماعی به دست می‌آورد و یا در زندگی حاضر کسب می‌کند در نتیجه استفاده از خواسته‌هایش می‌باشد که بر نشانه‌های حق او تأکید دارند و اجازه می‌دهند تا قوانین خدا بر روی ملک خدا عمل شود. حتی در زمانی که انسان بعضی از چیزها را به وسیله عرق جبین خود به دست می‌آورد، او در حقیقت به خواسته‌هایش جهت می‌دهد که از بدن و ذهنش که مخلوق و ملک خدا هستند، استفاده کند و در آن روند، انسان در حال استفاده کردن از خوراک خدا و نفس کشیدن از هوای خدا می‌باشد. هر چه انسان به مفهوم قانونی مالک آن باشد چیزهایی است که به او اجازه داده می‌شود تا آنها را داشته باشد، اگر چه آنها ملک قانونی خداوند می‌باشند.

در آیه ۲۰/۶ آمده است. له ما فی السموات و ما فی الارض و ما بینها و ما تحت الثری، آنچه در آسمان و زمین و ما بین آن دو است برای خدا است. و در آیه ۴-۱/۱ آمده است، الحمد لله رب العالمین، الرحمن الرحیم، مالک یوم الدین، او مالک روز جزا است.

در زمانی که مفهوم خدا مالک است در مکتب یک انسان تولیدکننده و یا مصرف‌کننده قرار می‌گیرد، او احساس می‌کند که مورد احترام قرار گرفته است و سپاسگزار است که بعضی از



ثروت خدا در دست او به صورت امانت است و آنگاه یک انسان راغب می‌شود که از حقوق خدا آگاه شود تا برای لذخت و استفاده از آن ثروت، محدوده مناسبی را برای او تعریف کند و همچنین زمانی نسبت به حق خداوند، ایمان پیدا می‌کند که افراد دیگر جامعه را به عنوان مدعی حقوق، نسبت به سهمی از ثروت، برگزیند.

چنانچه در آیات ۲۳/۲۴ آمده است و آتاهم من مال الله الذی اتیکم (بدهید به ایشان از مالی که خداوند به شما داده است). و آیه ۵۷/۶، آمنو بالله و رسوله و انفقوا مما جعلکم مستخلفین فیه فالذین آمنوا منکم و انفقوا لهم اجر کبیر (ایمان بیاورید به خداوند و رسول او و از آنچه خداوند شما را در آن جانشین خود قرار داده است انفاق کنید، پس کسانی که از شما ایمان آوردند و انفاق کردند، اجر بزرگی دارند).

۳-۲-۲- یک هدف برای زندگی: آزمون انسان

در آیه ۶۷/۲ آمده است، تبارک الذی بیده الملک و هو علی کل شی قدیر (۶۶) الذی خلق الموت و الحیوة لیبلوکم ایکم احسن عملاً و هو العزیز و الغفور (۶۷)

مبارک است آن کسی که ملک به دست اوست و او بر هر چیزی قادر است (۶۶) آن کسی که موت و حیات را خلق کرد تا شما را بیازماید کدام تان عمل نیکوتری دارید و او شکست ناپذیر و بخشنده است (۶۷). زندگی یک آزمون است که از طریق آن، ما به طور برابر، آزمون نمی‌شویم و به طور برابر در روز حساب، مورد مؤاخذه قرار نمی‌گیریم.

در آیه ۱۷/۲۱ آمده است که خداوند گاهی یکی را بر دیگری در مورد بسیاری از خیرها توانایی فیزیکی یا ذهنی، محیط اجتماعی و مادی، قدرت دانش، ثروت و غیره برتری می‌دهد. (انظر کیف فضلنا بعضهم علی بعض و للاخر اکبر درجات و اکبر تفضیلاً) (اسراء) (بنگر که چگونه بعضی‌شان را بر بعضی دیگر برتری نهادیم و در آخرت درجات و برتری‌ها، برتر و بالاتر است) در بعضی از این اسلوب‌ها، یک فرد متولد می‌شود یا بعضی چیزها به وسیله تلاش به دست آورده می‌شوند، در حالی که هنوز، چیزهای دیگری با شرایطی به دست می‌آیند. اما هر فرد در برابر خداوند برای همه چیزهایی که در آن، او بر دیگری ترجیح داده شده است، در روز جزا مؤاخذه خواهد شد.

در آیه ۶/۱۶۵ آمده است: و هو الذی جعلکم خلایف الارض و رفع بعضکم فوق بعض درجات لیبلوکم فیها اتیکم ان ربک سریع العقاب و انه لغفور رحیم (و او کسی است که شما را

جانشین خود در زمین قرار داد و بعضی را بر بعضی دیگر برتری داد تا اینکه شما را در آنچه داده است بیازماید. به درستی که پروردگار تو زود کیفر می‌دهد و به درستی که بخشنده و مهربان است.)

آنگاه ما از ادعای دکتر احمد المبارک نتیجه می‌گیریم که به لحاظ اخلاقی هر چیزی که انسان از آن استفاده می‌کند مجانی نیست اگر چه از لحاظ اقتصادی، مجانی باشد. بلکه باید آن را به خاطر شکرگزاری از خالق و مالک انفاق نمود یعنی اینکه ما باید مراقب و متوجه خداوند در استفاده و تقسیم بعضی از ثمرات ملک او با مستحقان شرعی باشیم.

۴- یک تابع رفاه اجتماعی اسلامی بازنگری شده

۱-۴ - مقدمه:

آن مفهوم^۶ سوزن ته گرد بر پایین کوفتن، در تابع رفاه اجتماعی که اقتصاددانان جدید، آرزوی آن را دارند، بیش از هشتصد سال پیش، فرمول اصلی آن توسط دو متفکر و فقیه، غزالی (تاریخ وفات ۵۰۵ ه.ق) و شاطبی (تاریخ وفات ۷۹۰ ه.ق) درک شده است. ابتدا آنها پایه اولیه آنرا بیان کردند، و در وجه ثانی به طور گسترده آن را توسعه دادند و دوباره آن مفهوم را پالایش کردند. بررسی‌های پیشرفته‌تر آن ایده، به وسیله چند فقیه برجسته معاصر مهیا شده است. آن کار اخیراً مربوط به مصطفی انس الرزقاء و ابوزهرا^۸ می‌باشد که من مطالب آنها را از خلال^۹ و دوالبی^{۱۰} خواهم گرفت.

من عمیقاً مدیون پدرم پروفیسور الرزقاء^{۱۱}، برای شرح وسیع خود در این بخش از این مقاله می‌باشم. او همچنین به حد کافی به من لطف داشت که مثال‌ها را کنترل کرد و چند چیز قابل ارزش را مهیا کرد. با مبنا قرار دادن کمک او، من شک نداشتم که در موارد ضروری باید مثال‌های جدیدی بزنم تا ایده غزالی و شاطبی را با آن شرح دهم. نقطه شروع، این است که اسلام اهدافی را برای زندگی انسانی قرار می‌دهد. همه چیزهایی (فعالیت‌ها باشند و یا اشیاء) که به دستیابی به این اهداف کمک می‌کنند تا رفاه اجتماعی را افزایش دهند، مصالح و یا مطلوب‌ها نامیده می‌شوند و ضد آنها مفاسد یا نامطلوب‌ها می‌باشند.

غزالی و بعد از آن شاطبی با بررسی آموخته‌های اسلامی و احکام آن در قرآن و حدیث به نتایجی رسیدند که مطلوبیت‌های اجتماعی در اسلام ممکن است به مرتبه امور ضروری، امور رفاهی و تصفیه، پالایش و اصلاح، تقسیم شود.

۴-۲- امور ضروری

امور ضروری عبارت است از همه فعالیت‌ها و چیزهایی که برای حفاظت از پنج رکن زندگی خوب اجتماعی و فردی، مذهب، زندگی، عقل، فرزند و ثروت بر طبق اسلام تشکیل می‌شود. محافظت کردن از این ارکان یکی از اولین اهداف مذهب اسلام است. مثال‌های مربوط به این سطح، شامل فعالیت‌هایی است که به مقدار کافی، ارکان پنج‌گانه و دستورات مرتبط با چنین فعالیت‌هایی را محافظت می‌کند موارد ایجاد پنج ستون اسلام ایمان، نماز، روزه، زکات، حج و دعا کردن برای خدا می‌باشند پاک ماندن زندگی انسان و حمایت از چیزهایی که مرتبط با آن است، اجازه داشتن یا به بیان دقیق‌تر فرمان داشتن برای به دست آوردن یک زندگی که بخوریم و بیاشامیم و برای اینکه لباس و خانه و موارد مرتبط با آن مانند خریدن و فروختن را داشته باشیم حرمت شراب و دیگر مواردی که عقل را از بین می‌برد بنیان ازدواج و حرمت زنا، حفاظت از ثروت به مفهوم وسیع آن و حرمت از بین بردن ثروت (حتی در ملک خود)، حرمت دست زدن بر دارایی دیگران و جنگ کردن برای دفاع از آن اهداف، فراگیری علوم پایه و آموزش و تأسیس فعالیت‌های اقتصادی به حد کافی، (برای تولید غذا) برای اینکه از ارکان پنج‌گانه محافظت کنیم.

۴-۳- امور رفاهی

امور رفاهی، از همه فعالیت‌ها و چیزهایی تشکیل می‌شود که نسبت به حفظ ارکان پنج‌گانه حیاتی نیستند، بلکه نسبتاً لازم می‌باشند تا راحتی را برای زندگی حاصل کنند، یا اختلال و مشکلات زندگی را رفع کنند. مثال‌هایی که استفاده و لذت از اشیاء را در خود جای می‌دهد که انسان می‌تواند بدون آنها با مشقت و زحمت زندگی کند و به فعالیت خود ادامه دهد، همچون ورود در قراردادها با انواع مختلف آن، از این قسم می‌باشند. در اینجا، بسیاری از هنرها، صنایع و فعالیت‌های اقتصادی، با آن گستره‌ای که تولیدات یا خدمات آنها برای امور رفاهی مورد توجه است یعنی نسبت به آن اندازه‌ای که برای ایجاد آرامش و رفع مشکلات کافی است، وارد می‌شود. برای مثال بعضی از انواع پوشش‌های فرس، زندگی بدون آنها، در زمانی که هوا سرد است، مشکل است و به همین خاطر، تولید یک پوشش ساده مانند زیراندازی (حصیر) از پرکاه، در زمانی که در دسترس باشد، یکی از امور رفاهی است. فرش‌های دست‌بافت فرش‌هایی که کارخانه‌ها می‌بافند از امور قابل‌تحسین می‌باشند. تغییرات در مدل زندگی، ممکن است فعالیت‌ها و چیزهای معینی را از یک طبقه به طبقه دیگر سوق دهد.





بنابراین در زمانی که جمعیت در جامعه روستایی متفرق بودند، فاضلاب یک امر قابل تحسین بود، اما در مراکز جمعیت شهری که اکنون رایج است، آن خدمات یکی از امور رفاهی می‌گردند زیرا که بدون آنها زندگی با مشکلات مهمی همچون خطرات بهداشتی روبرو است. مشابه با آن حمل و نقل عمومی در جوامع کوچک، یکی از امور رفاهی محسوب نمی‌شود بلکه از امور قابل تحسین است، حتی در زمانی که به عنوان یک ابزار رفاهی برای اهداف مسافرتی در میان همچنان جوامعی به کار برده شود. اما در مراکز شهری که ابعاد ناحیه‌های آن بزرگ و وسیع است، حمل و نقل عمومی، یکی از امور رفاهی است و اگر ابزار خصوصی حمل و نقل در دسترس باشد، آن ابزار جزء امور قابل تحسین می‌گردد.

امور رفاهی، همچنین، شامل فعالیت‌ها و چیزهایی می‌شود که کمک به پیشرفت ارکان پنجگانه می‌کنند. برای مثال، چاپ کتاب‌هایی که امور ضروری را مانند دعوت به راه خدا یا انتقال هر دانش ضروری بسط می‌دهند، که می‌توان چنین امور ضروری را با ابزاری آسان‌تر از چاپ همچون دعوت با زبان نیز دنبال کرد، محافظت از بهداشت و ارتقاء آموزش فیزیکی که بدن را تقویت می‌کند، از این قبیل می‌باشد. و در نهایت با توجه به این که حفظ زندگی یکی از امور ضروری است امور رفاهی در میان کارهای دیگر، کسب یا ارتقاء دانش و افزایش ثروت (هم خصوصی و هم عمومی) را به اندازه‌ای که برای دستیابی به امور رفاهی لازم است، در برمی‌گیرد. این یکی از کاربردهای معروف اصول فقه اسلام است، هر آنچه برای اجرای یک وظیفه ضروری باشد، همچنین یک وظیفه است.

۴-۴ - امور قابل تحسین

این طبقه شامل فعالیت‌ها و چیزهایی می‌شود که به بیش از محدوده امور رفاهی مربوط می‌باشد. به طور خاص، شامل موضوعاتی که مشکلات را تغییر و بهبود نمی‌دهند، و به عبارت دیگر، به زندگی کمال، خوشحالی و زینت می‌بخشند، می‌شوند. ویژگی دستورات این طبقه مرتبط با ادب در رفتار و کلام، رعایت آداب معاشرت اسلامی (اخلاق اسلامی) در خوردن، نوشیدن، پوشیدن، ادای احترام، تمیزی و غیره و به‌طور کلی اعتدال و میانه روی که یک قسم خاص آن اعتدال در مخارج است، می‌باشد.

آیه ۲۵/۶۷ والذین اذا انفقوا لم یسرفوا و لم یقتروا و کان بین ذلک قواماً یعنی (بندگان خدا کسانی هستند که زمانی که انفاق می‌کنند، نه اسراف می‌کنند و نه کم می‌گیرند و بین آنها حالت



اعتدال است. بهبود کیفیت کار یک شخص و تولید متعلق به این طبقه است (بر طبق کلام پیامبر (ص)، خداوند فردی از شما را دوست دارد که اگر کاری را انجام دهد، آن را کامل کند). دیگر اعمال این طبقه، عبارتند از: استراحت، سرگرمی حلال، فعالیت‌های تفریحی و فامیلی که برای بدن و ذهن به حد کافی آرامش حاصل می‌کنند و انرژی دوباره‌ای به شخص باز می‌گردانند. امور قابل تحسین همچنین شامل چیزهای حلال که به حد اعتدال برداشته می‌شوند، و راحتی را مهیا می‌کنند، مثل قالیچه‌ها، وسایل با کیفیت بالا، نقاشی کردن یک شخص منزلش را می‌باشد. یعنی چیزهایی که یک فرد می‌تواند از آنها صرف‌نظر کند و مشکلی نیز بوجود نمی‌آید. همچنین از چیزهایی که مربوط به امور قابل تحسین است، مقدار معتدلی از موضوعات مرتبط با لذت و تزیین کاری گل‌ها و جواهرات می‌باشد. اگر، در امور شخص، از امور قابل تحسین به سمت اسراف و افراط‌کاری برویم، یک عدم مطلوبیت برای فرد و مشابه آن برای جامعه به وسیله اسلام ملاحظه می‌شود و شدیداً با آن مخالفت می‌شود.

۴-۵- قوانین اولویت

اجازه دهید به آنچه در زیر بخش‌های ۱-۴ تا ۴-۴ به آن پرداخته شد و نسبت به شرح خلاصه‌ای که بر کارهای غزالی و شاطبی مبتنی است و در مورد اهدافی است که اسلام برای انسان و جامعه تعریف می‌کند، مروری داشته باشیم

دستیابی به این اهداف، رفاه اجتماعی را افزایش می‌دهد. همان‌گونه که شایسته است، تعیین این اهداف که به وسیله اقتصاددانان جدید تصور می‌شود فقط اولین جزء از تابع رفاه اجتماعی را در بردارد. برای اینکه این تابع بخواهد وجود پیدا کند، باید دومین جزء آن یعنی یک مجموعه قوانین اولویت که کمک می‌کنند تا تضاد میان اهداف متفاوت اجتماعی حل گردد، مهیا شود. دو جزء با هم، تابع رفاه اجتماعی را تشکیل می‌دهند. تبیین این ایده می‌تواند منظم شود.

تابع رفاه اجتماعی باید به ما کمک کند تا از میان موقعیت‌های اجتماعی که خوب تعریف شده‌اند، آن‌جانشینی را که رفاه را بیشتر افزایش می‌دهد، یا آنکه حداقل ضرر را دارا می‌باشد انتخاب کنیم. اغلب، در چنین انتخاب‌هایی است که دستیابی به یک هدف ما را از بعضی اهداف ارزنده دیگر دور می‌کند. بنابراین انتخاب، غالباً، با تفکیک متضادها در میان اهداف اجتماعی روبرو است.

برای اینکه یک تابع رفاه اجتماعی، متناسب با آن داشته باشیم، باید قوانین اولویتی را که در



تصمیم‌گیری میان اهداف متضاد، به ما کمک می‌کنند، را مهیا کنیم. آیا غزالی و شاطبی قوانین اولویت را فراهم می‌کنند، یعنی اینکه آیا آنها، ویژگی یک تابع رفاه اجتماعی را کامل می‌کنند؟ در واقع باید گفت آری.

در آغاز، یک فرد باید تشخیص دهد که این دو فقیه، نه تنها یک مجموعه خالص از اهداف اسلامی را مهیا می‌کنند، بلکه آنها، آنچه در ریاضیات به عنوان یک مجموعه مرتب نامیده می‌شود یعنی آنکه اجزایش دارای سلسله مراتب است را فراهم می‌کنند. بنابراین در بالاترین سطح، امور ضروری می‌باشند و به دنبال آنها امور رفاهی و سپس امور قابل تحسین. شاطبی توضیح و تفضیل زیادی در مورد نظم اجزایی که درون هر طبقه است، می‌دهد (البته او و هیچ کس دیگر نمی‌تواند یک نظم کامل مهیا کند).

قانون اولیه و ساده اولویت بر طبق نظرات این دو محقق نسبت به پیش‌بینی مشکل نیست. اعمال یا چیزهای که مرتبط با یک طبقه پایین‌تر است (برای مثال امور قابل تحسین) نادیده گرفته می‌شود، اگر آنها در تضاد با واقعیات سطح بالاتر باشند. و تا حدی که نظم در درون یک طبقه باید انجام شود، این قانون آنجا نیز مفید است. یک مثال کلاسیک در فقه اسلامی درباره این نظم عبارت از اجازه نداشتن برای عدم رعایت حجاب هر جزء بدن تحت بررسی یا معالجه پزشکی است، اگر موکداً پوشش (پزشکی) بخش‌های معینی از بدن لازم باشد. در حالیکه آن کار، یکی از امور قابل تحسین نباشد، توجه پزشکی یکی از امور ضروری است و باید اولویت داده شود. این قانون اگر چه خیلی قوی و ساده است، فاصله زیادی از کفایتی که، پیچیدگی زندگی واقعی و اثرات چندگانه‌ای که هر عمل دارد در نظر گرفته است، می‌باشد. بنابراین از اینجا، ما باید کجا برویم؟

در ابتدای امر ما باید به فقه اسلامی که ممکن است به نظر آید منبعی نامناسب برای کمک به یک تابع رفاه اجتماعی باشد، رجوع کنیم. هر دوی غزالی و شاطبی از فقهای پر آوازه هستند و هر دو، به وضوح به قوانین زیادی از اولویت‌ها که در تمامی اصول فقه متداول است، اشاره می‌کنند. بنابراین ما منابع غنی و شکوهمندی را برای تعریف اولویت و تصمیم‌گیری در میان متضادها در میان اهداف اجتماعی و علاقه‌های فردی، دارا می‌باشیم. آن، نه تنها، یک میراث روشنفکرانه است، بلکه مهمتر، یک سیستم ارزشی منسجم است که بر پایه یک چیز که یک مسلمان به وسیله آن هدایت شده است، منبع معتبری که برای قضاوت‌های ارزشی و مقایسه‌های بین افراد می‌باشد مبتنی است. جالب است توجه بر این نکته، که بنجامین وارد اقتصاددان، از دانشگاه کالیفرنیا، در



جانب خداوند نور و کتاب روشن آمد که به وسیله آن، خداوند کسانی را که رضایت او را طلب می‌کنند، به راه‌های صحیح هدایت می‌کند و آنان را به اذن او از ظلمت‌ها به سوی نور خارج می‌کند و آنها را به راه مستقیم هدایت می‌کند.

آنگاه اقتصاددانان می‌توانند برای فقهای مسلمان، سیاست‌های اقتصادی جانشین را در حالی که به خوبی اثرات هر سیاست را، بر روی متغیرهایی که با رفاه اسلامی رابطه دارند، معین می‌کنند، بیان کنند. آنگاه و فقط آن وقت است که فقها و اقتصاددانان می‌توانند از تابع رفاه اجتماعی و میراث هدایت شونده فقهی آنها استفاده کنند تا جامعه‌ای را با راه حل‌های اسلامی نسبت به مسائل جاری آماده کنند.

غزالی و شاطبی نقش ارزشمندی را در به دست آوردن یک تابع رفاه اجتماعی که قرآن و سنت پیامبر (ص) بر آن اشاره دارد، ایفاء می‌کنند و هنوز هم آنها، سهم قابل توجهی در دادن یک بینش قابل توجه و مناسب را دارا می‌باشند، ولی سهم آنها به همه سؤالاتی که ما در این ربع آخر از قرن بیستم به دنبال آنیم پاسخ نخواهد داد. غزالی و شاطبی سهمشان را انجام داده‌اند، آیا ما نیز انجام داده ایم؟

پی نوشت‌ها:

- ۱- ترجمه بخش پنجم در کتاب خرد اسلامی تألیف دکتر حسین صادقی آورده شده است، لذا در اینجا از ترجمه آن صرفنظر می‌شود
- ۲- بقره ۱۸۳
- ۳- بقره ۱۸۴
- ۴- بقره ۱۸۵

۵- SHILE

۶- HARD-TO-PIN-DOWN

۷- Abozahra. M

۸- A. W. Khallar

۹- M. M. Dawlibi

۱۰- AL- Zarqa





عبارتی که برای تبیین این ایده به کار رفت توسعه پایدار^۱ بود^۲. به صورت معماگونه در همان زمان، رییس جمهور آمریکا جورج بوش، از امضای این موضوع سر باز زد و بیان داشت که این توافقنامه هزینه‌های غیرقابل قبولی برای آمریکا دارد. اما آمریکا تحت رهبری رییس جمهور جدیدش بیل کلینتون در نهایت این توافقنامه را امضا نمود. آن گردهمایی به تنهایی سبب باز کردن درها برای کسب و کار آزاد در مقیاس بزرگ و اقتصاد بازار در سراسر دنیا نشد ولی باعث شد توسعه اقتصادی اکنون مسیر پذیرفته شده دولت‌های جهان به سمت دستیابی عدالت اجتماعی و یا حداقل بیشتر شدن ثروت سوق یابد.

تعریف توسعه اقتصادی

اما توسعه اقتصادی چیست؟ این عبارت معمولاً دو نکته را در بر دارد: الف) رشد اقتصادی و ب) همراه با مدرنیزه شدن. رشد اقتصادی در برگیرنده افزایش در محصول اقتصادی کل جامعه (GNP) و افزایش محصول سرانه است^۳ و نوسازی نیز به ملازمات نهادی و فرهنگی اشاره دارد^۴. رشد و نوسازی برای رساندن معنای تکنیکی مقصودند، فرض می‌شود ارزش خنثی و توصیفی هستند. به عنوان مثال، فرض روشنی وجود دارد که توسعه اقتصادی و بنابر این رشد و نوسازی مطلوبند زیرا آنها سبب پیشرفت می‌شوند. بنابراین جامعه‌ای که از نظر اقتصادی توسعه یافته نیست، به نظر ایستا می‌رسد و با همین نشانه، شکست یک جامعه برای نوسازی شاخصی برای ناکارایی آن است و فقدان زیربنای مورد نیاز و سازماندهی برای پیشرفت ویژگی یک جامعه ابتدایی و سنتی است.

ضرورت بررسی توسعه اقتصادی در چارچوب عدالت

اجازه دهید بحث را از ابتدا با این سؤال آغاز کنم. چرا ما باید به بررسی توسعه اقتصادی در چارچوب عدالت اجتماعی بپردازیم؟ پاسخ احتمالاً این است که یکی از ابزاری برای دیگری است. توسعه اقتصادی یک ضرورت و یا یک شرط کافی برای عدالت اجتماعی است. گاهی ادعا می‌شود که توسعه اقتصادی نه تنها مشکلات تولید بلکه مسئله توزیع را نیز حل می‌کند و شاید اینگونه باشد. به نظر می‌رسد که باید برخی شرایط در اینجا فراهم شود به گونه‌ای که مخاطب نسبتاً روشن‌تر بتواند طبیعت و محدودیت‌های روابط بیان شده را درک کند. به همین جهت فکر می‌کنم رشد اقتصادی نه یک ضرورت و نه یک شرط کافی جنبه‌های معین عدالت